

سیر تحول تصویر اسب از دوره ماد  
تا دوره هخامنشی



پلکان شرقی آپادانا، نمایندگان  
ممل مختلف، قرن ۶-۵ ق.م، مأخذ:  
SplendorsoftheAncientPersi



## سیر تحول تصویر اسب از دوره ماد تا دوره هخامنشی

لیلا شریفی \* دکتر ادهم زرغام \*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۲۹

### چکیده

بررسی سیر تحول تصویر اسب و شناخت جایگاه اسب به لحاظ ساختاری و مفهومی از دوره ماد تا دوره هخامنشی هدف این پژوهش است. پرسش آن است که اشکال مختلف اسب به لحاظ مفهوم، ساختار زیبایی‌شناسی و کارکرد چه جایگاهی در دوره‌های ماد و هخامنشی داشته است. در انجام این تحقیق، تصویر اسب از دست‌ساخته‌های دوره ماد تا نقش برجسته‌های دوره هخامنشی به لحاظ هماهنگی زیبایی‌شناسی اسب و تناسبات کاربردی ابزار، نقش تعیین‌کننده اسب در ظروف ترکیبی و اسب در جایگاه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بررسی می‌شود. اسب آیینی و مقدس دوره ماد که با اشکال ساده و انتزاعی و با مفاهیم نمادین و آیینی همراه بوده است برای عبور از دنیای پس از مرگ در کنار صاحبش دفن می‌شده و نقش نگهبانی از مرده را در برابر نیروهای منفی داشته است و در دوره هخامنشی به صورتی طبیعت‌گرایانه و ساخته و پرداخته شده در کنار انسان با مقاصد اجتماعی در تشریفات درباری ظاهر می‌شود.

### واژگان کلیدی

ماد، هخامنشی، مفاهیم آیینی، اسطوره، نماد، تصویر اسب.

\* کارشناس ارشد نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران، استان تهران (مسئول مکاتبات)

Email: leilasharifi78@yahoo.com

\*\* استادیار دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شهر تهران، استان تهران

Email: azargham@ut.ac.ir

## مقدمه

اسب جایگاه والایی در دوره‌های ماد و هخامنشی داشته است. اسب در اندیشه ایرانیان ویژگی اهورایی داشته و در اسطوره‌ها به عنوان موجودی است که به منزله کمال بخشی به الهگان و قهرمانان اسطوره‌ای آفریده شده است. اسب به عنوان گرامی‌ترین هدیه برای خدایان قربانی می‌شد و ویژگی‌های زیادی برایش قائل بودند، از جمله برکت بخشی، بینایی و درمان بخشی. آثار برجای مانده از دوره ماد نشان می‌دهد که ظروف ساخته شده به شکل اسب، توأم با معنای نمادین، مذهبی و اسطوره‌ای بوده است. هنر ماد نقش تعیین کننده‌ای در هنر دوره‌های پس از خود داشته است.

در آغاز هزاره اول قبل از میلاد، ماننا که در قرن نهم قبل از میلاد در نواحی جنوبی‌تر و جنوب غربی پدید آمده بود و اتحادیه قبایل ماد نامیده می‌شد وجود داشت. کشور ماننا از لحاظ فرهنگ و تمدن و اقتصاد هسته پادشاهی ماد را در قرن ششم قبل از میلاد تشکیل داد (دیاکونف، ۱۳۴۵: ۱۴۰). براساس اسناد مکتوب تاریخی، مادها توانستند اسب را رام کرده و در سرزمین خود که با آب و هوای متنوع زیستگاه مناسبی برای اسب بود پرورش دهند. تعلق مذهبی قوم ماد به اندیشه‌ها و آیین‌های دینی هندوایرانی و زرتشتی بوده است.

اختراع ارابه توسط آریاییان و مهاجرت گروه زیادی از مردم منطقه به سرزمین‌های ایران، هند، آسیای صغیر و اروپا و استفاده از اسب در میادین جنگی باعث اهمیت اسب شد. از این رو در هزاره اول قبل از میلاد، لرستان به یکی از بزرگ‌ترین مراکز تولید مفرغ تبدیل شد و برخی از ابزار و آلات اسب به مناطق دیگر صادر می‌شد. اشیای مفرغی یافت شده غالباً نموداری از شکل اسب است. در این دست آثار، تلاشی در جهت بازنمایی عین به عین اسب صورت گرفته بلکه صنعتگر دوره ماد به صورت کاملاً آگاهانه اسب را در قالب ظروف سفالین منقوش بدون توجه به رعایت تناسبات، با کاربرد آیینی مجسم کرده است و برخی از قهرمانان اسطوره‌ای و خدایان ایران باستان، جایگاه خود را مدیون اسب‌هایشان هستند. ریتون‌های دوره ماد در هیئت اسب حاوی مفاهیم اسطوره‌ای و نمادین بوده است.

هدف از این پژوهش شناسایی جایگاه اسب از لحاظ فرم و محتوا در دوره‌های ماد و هخامنشی است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌هاست:

- شکل‌گیری اسب در قالب اشیای کاربردی در دوره ماد تا حضور آن بر صخره‌نگارها چگونه قابل بیان است؟  
- آیا اشکال مختلف اسب در دوره ماد و هخامنشی جایگاه ثابتی داشته است؟

## پیشینه تحقیق

مقالاتی در زمینه جایگاه اسب در هنر ایران ارائه شده است. دکتر فریده طالب‌پور در مقاله «جایگاه اسب در هنر



تصویر ۱. زینت مربوط به زین و یراق اسب، قرن ۸ ق.م، حسنلو، تهران. مأخذ: گیرشمن، ۱۳۹۰: ۲۹۱.

ایران باستان» بیشتر به آرایش زین و برگ اسب و اهمیت اسطوره‌ای آن در هنر ایران باستان پرداخته و اشاره‌ای کلی به ویژگی‌های بارز اسب‌های هر دوره کرده است. محمدحسن سمسار در مقاله «اهمیت اسب و تزیینات آن در ایران باستان» به گردآوری نمونه‌های مختلف اسب و تاریخچه آن در هنر ایران باستان پرداخته است. در موارد مذکور غالباً به بررسی‌های کلی پرداخته و فاقد تجزیه و تحلیل محتوایی و ساختاری است. تکتم مهربان معینی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران با عنوان تصویر اسب در هنر ایران به مرور تصاویر اسب در هنر ایران قبل از اسلام پرداخته است.

## روش تحقیق

با توجه به تنوع فرم اسب در آثار سفالین، فلزی و صخره‌نگارها، آثار هنری مربوط به اسب در سه بخش، هماهنگی زیبایی‌شناسی اسب و تناسبات کاربردی ابزار در دوره ماد و هخامنشی، تأکید بر حضور اسب در اشیای با مفاهیم آیینی و اشیای ترکیبی، اسب در جایگاه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دوره هخامنشی بررسی و مطالعه شده است. در این پژوهش، با استفاده از منابع نوشتاری و تصویری، ویژگی‌های ساختاری و نیز محتوایی تصویر اسب در این دو دوره با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی، مقایسه و شناسایی قرار گرفته است.

## هماهنگی زیبایی‌شناسی اسب و تناسبات کاربردی ابزار

### در دوره ماد و هخامنشی

اسب بالدار از جمله موجودات باستانی است که در دوره ماد بسیار مورد توجه بوده است. اسب بالدار یا اسب بزرگ نام یکی از صور فلکی است. حیوانی اساطیری که

تا روح مرده بتواند به دنیای دیگر برود. نقش اسب بالدار نیز به همین منظور در ایران و یونان معمول شد» (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۲۹۱). می‌توان گفت زینت مربوط به زین و یراق با نقش اسب بالدار برای انسان پیش از تاریخ پلی به دنیای دیگر و قوت قلبی در برابر ترس از مرگ بوده است.

بنابر باور کهن آریاییان، اسب مرکب مرده در دنیای پس از مرگ است. بنابراین دفن آن همراه جسد افراد خاص امری عادی تلقی می‌شد، ولی به علت ارزش بالای آن، ابزار مفرغی مربوط به اسب را به نشانه خود حیوان زیر سر مرده می‌نهادند (تصویر ۲) که به زیرسری معروف‌اند (کامبخش، ۱۳۸۰: ۳۳۰). تصویر سر و گردن اسب بسیار ساده و ابتدایی و در عین حال زیبا مجسم شده است. کاکل اسب و چشمان برجسته از جمله ویژگی‌هایی هستند که در اسب‌های دوره بعد نیز دیده می‌شود و یال اسب به صورت بریده بریده و موج روبه بالا مجسم شده است که این ابزار را به لحاظ شکل از بقیه متمایز کرده است. بدن اسب به صورت پایپون توخالی و دایره در وسط آن ساخته شده و این ذهنیت را تقویت می‌کند که این ابزار قبل از دفن شدن در کنار مرده کاربرد ابزاری داشته است. در دوره باستان، ساخت سنجاق سر با سر حیوانات به خصوص اسب بسیار معمول بود. در تصویر ۳ طرح و نقش سنجاق متناسب با فرم سر اسب ساخته شده است. کاکل جلوی سر و چشمان درشت و گوش‌های نسبتاً بزرگ جلوه خاصی به سنجاق داده است. در تصویر دیگری از سر سنجاق شکل متفاوتی از پیکره کوچک اسب را می‌بینیم (تصویر ۴). اسب با زین و یراق و چشمانی خورشیدوار و سری بزرگ که می‌تواند معنای خاصی داشته باشد ساخته شده است. فرم منحنی اندام اسب با چشمانش هماهنگی دارد و از دفرماسیون خاصی برخوردار است. «این نقوش بیانگر بیم‌ها و امیدها و استعانت از قوای طبیعی در مبارزه دائم و حشمتاک حیات است» (همان: ۹). نقوش هندسی برجسته روی این اشیاء حاوی معنای نمادین هستند.

در هنرهای اروپا و هنرهای آسیای مقدم، همواره اسب با نشانه‌های مربوط به خورشید آمیخته بود. به علاوه، روی آثاری که به شیوه هندسی منقوش می‌شدند، تقریباً در همه اقوام کهن، اسب با خورشید ارتباط دارد، زیرا خورشید سریع‌ترین کوکب آسمان است و اسب هم سریع‌ترین جانور در خدمت بشر. هر دو بت نقل می‌کند که برای سریع‌ترین ایزدان، یعنی خورشید، باید سریع‌ترین جانوران قربانی شود (قلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۷). آن‌ها برای اسب و خورشید زوجیت قائل بودند. با توجه به اینکه زنان از این سنجاق‌ها استفاده می‌کردند، تلفیق اسب و خورشید نماد باروری برای زنان بوده است.

سنجاق‌های برنزی که در این دوره رواج گسترده‌ای داشتند معمولاً برای بستن گیسوان یا لباس استفاده می‌شدند. همچنین با بررسی آثار به‌جامانده در تپه باستانی «دم سرخ» در لرستان به نظر ارایش اشمیت، محقق و باستان‌شناس



تصویر ۲. زیرسری از جنس مفرغ، لرستان، سده ۸ تا ۷ ق.م، اندازه: ۹،۰۰۹ در ۱۵،۰۰۹ سانتی‌متر. مأخذ: موزه متروپولیتن.



تصویر ۳. سنجاق سر از جنس مفرغ، لرستان، سده ۸ تا ۷ ق.م، اندازه: ۶،۶۰۶ سانتی‌متر. مأخذ: همان

نمونه‌اش را در مصر، ایران، یونان و بین‌النهرین می‌توان دید و در اساطیر یونان به پگاسوس شهرت یافته است. با این توصیف، می‌توان گفت اقوام و ملل پیشین دارای افسانه‌های مشترک بوده‌اند. زینت مربوط به زین و یراق اسب نقش اسب بالدار را نشان می‌دهد که در مرکز دایره قرار گرفته است (تصویر ۱). در طراحی اسب از خطوط نرم متناسب با فرم دایره محاطی استفاده شده است. هنرمند در تجسم اجزای صورت و کاکل و بقیه اندام اسب بالدار از اندکی حجم نمایی بهره برده است. حالت قرارگیری دو پای جلو و پاهای از هم گشاده عقب اسب فرود آمدن را نشان می‌دهد که شاید به پیام خاصی اشاره داشته باشد. فرم مدور لبه این طرح متناسب با دایره محاط شده طراحی شده است، به طوری که هیچ‌گونه فرم تیزی در اندام اسب به جز در کاکل اسب، که آن هم فرم ایجاب می‌کند، دیده نمی‌شود.

زیبایی این شیء به ظرافت و خیال‌انگیزی تصویر اسب بالدار است که متناسب با فرم دایره برجسته‌نمایی شده که هم از نظر کاربردی و هم از نظر زیبایی جلب نظر می‌کند. رابطه سحرآمیز بین اسب و مرده یا مردگان تا مرزهای پیش از تاریخ اقوام هندواروپایی برمی‌گردد و در عادات و رسوم پاره‌ای از ملت‌های عصر حاضر نیز وجود دارد. در این رابطه سحرآمیز در بعضی ملل اسب را با شخص متوفی به گور می‌سپارند یا آن را در قبر او می‌سوزانند. «منظور از این عمل این بود که حیوان یا قالب مرده را در قبر قرار دهند



تصویر ۵. دهنه اسب از جنس مفرغ، سده ۸ تا ۷ ق.م لرستان، اندازه: ۸،۹ در ۱۴ سانتی متر. مأخذ: همان



تصویر ۴. سر سنجاق از جنس مفرغ، لرستان، سده ۸ تا ۷ ق.م، اندازه: ۴،۸ در ۶،۹۱ سانتی متر. مأخذ: همان

و چشمان برجسته و یال‌هایی که به شکل هاشوری حکاکی شده‌اند به گونه‌ای ساخته و پرداخته شده‌اند که از دهنه‌های به شکل اسب قبل از خودش یک گام جلوتر است و مقدمه‌ای است برای شکل‌گیری اسب‌های دوره هخامنشی. حفره‌هایی که در شکم و پشت اسب با گردن باریک و بلند و فرم اغراق‌آمیز سرش ایجاد شده با فضای خالی مابین پای‌های اسب نقطه تمرکزی در اندام اسب به وجود آورده که علاوه بر زیبایی، کاربرد آنرا راحت‌تر کرده است. «فکر اینکه اسب حیوان نیروهای زیرزمینی است و نشانه و سمبل حیوانی است که مرده را به آن دنیا می‌برد، در میان ایرانیان و یونانیان مرسوم بوده است» (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۳۵۰). با توجه به اینکه این ابزار از گورستان‌ها به دست آمده است می‌توان گفت دهنه‌های اسب علاوه بر جنبه کاربردی با اهداف آیینی در کنار مرده دفن می‌شده است.

پلاک برنز تصویر نادری از یک اسب از فرهنگ هخامنشی ایرانی است (تصویر ۸). این قطعه احتمالاً در یک قالب ریخته شده و سرد شده و سپس جزئیات آناتومی اسب، یال و مظاهر آن روی آن حکاکی شده است. سطح زبر پشت پلاک نشان می‌دهد که این قطعه به چیزی متصل بوده (احتمالاً چوب) که در حال حاضر از دست رفته است. با توجه به اندازه و طراحی جمع و جور آن، احتمالاً برای تزئین بخشی از میلان یا خنجر یا دسته شمشیر مورد استفاده بوده است (www.e-tiquities.com).

اندازه این پلاک، ۵،۲ در ۵،۶ سانتی متر است. سر و گردن اسب تا حدودی انتزاعی است، اما حالت حیوان طبیعی و زنده‌نماست. منحنی ضخیم و قدرتمند پشت گردن در قسمت سرگرد و پوزه ریز نقش اسب خاتمه می‌یابد. ساختار استخوان سر اسب روی برجستگی بینی و پلک درشت چشم و فک نیم‌دایره اسب استوار است. گوش کوچک از سر بیرون زده است. به منظور نشان دادن بافت موی اسب از کاکل تا انتهای یال، تعداد زیادی خط موازی بسیار دقیق حجاری شده و تضاد قابل توجهی بین سطوح صاف و سیقلی و بافت روی یال اسب به وجود آمده است. اندازه کوچک و

آلمانی، سنجاق‌های خوش ساخت و گرانبها به عنوان پیشکش‌های مذهبی نیز به کار می‌رفته و نذرکنندگان آن‌ها را در دیوار معبد فرو می‌کردند. با توجه به مدارک به دست آمده به نظر می‌رسد که این دست از آثار علاوه بر باروری زنان احتمالاً برای باروری مزارع و زمین‌ها نیز مورد استفاده بوده است. این سنجاق‌ها وقتی در موها یا لباس زنان و یا حتی در دیوار معابد مورد استفاده بوده فقط سر حیوان گاهی به صورت سه بعدی و اغلب برجسته دیده می‌شد بدون اینکه میله آن دیده شود. در اینجا علاوه بر رعایت زیبایی و جنبه تزئینی، کاربرد آن نیز ساده بوده است. در واقع آن بخشی از سنجاق که در معرض دید قرار می‌گرفته در قالب سر یا کل بدن اسب حجم‌نمایی شده است. کاکل روی سر و چشمان برجسته و اغراق‌گونه از شاخصه‌های اصلی این دو اثر است که علاوه بر جنبه زیبایی و خلاقیت به گونه‌ای ویژگی مذهبی آن را برجسته‌تر می‌کند.

معروف‌ترین آثار برنزی یافت‌شده در لرستان قطعات تکمیل‌کننده لوازم سر اسب است (تصویر ۵). تصویر این تک‌جانورها بیشتر برای ورقه طرفین دهنه‌های ممتاز (برای اسبان بارکش نه سواری) به کار می‌رفته و یک میله چهارپیر این دو ورقه را به هم وصل می‌کرده و تسمه افسار به آن دو متصل می‌شده است (پوپ، ۱۳۸۰: ۶۶). پیکر اسب به صورت واقع‌گرایانه تجسم یافته است. ارتباطی بصری بین سه فضای خالی بین پای‌های اسب و دو سوراخ پشت اسب و حفره شکم اسب وجود دارد که علاوه بر جنبه زیبایی قابلیت کاربردی داشته است. فضای خالی بین دم و پشت اسب نیز متناسب با دیگر قسمت‌های دهنه اسب ایجاد شده است. تصویر دیگری شکل قرارگیری دهنه اسب و تنظیمات آن را با میله مورد استفاده برای تسمه افسار اسب نشان می‌دهد (تصویر ۶). همان‌طور که مشاهده می‌شود خلل و فرج موجود در اندام اسب علاوه بر دخل و تصرف در فرم اسب جنبه کاربردی نیز دارد. گاهی سوراخ‌های تعبیه شده در دهنه اسب بنا به کاربرد احتمالاً آسان‌تر، نزدیک به یکدیگر قرار می‌گیرند (تصویر ۷). پیکر اسب به صورت واقع‌گرایانه ساخته شده



تصویر ۷. دهنه اسب از جنس مفرغ، سده ۷ ق.م لرستان، مجموعه لئومیلدنبرگ لندن، مأخذ: [www.christies.com](http://www.christies.com)



تصویر ۶. دهنه اسب از جنس مفرغ، سده ۸-۷ ق.م، لرستان، مأخذ: همان

ساخته می‌شدند و با آن شراب می‌نوشیدند. به یونانی به این ظروف عنوان ریتون داده‌اند. ریتون ۱ و ابریق ۲ در کاربرد اختلاف زیادی دارند. نظریه غالب درباره چرایی استفاده از ظرفی به شکل حیوانات برای نوشیدن مایعات و شراب این است که از دوران پیش از تاریخ نوشیدن در شاخ جانوران مرسوم بوده و پس از آن در دوران مختلف اعتقاد مردمان بر این بوده که با عبور مایع از درون ظرفی به شکل جانوران نیروی آن جانور به انسان منتقل می‌شود.

در بسیاری از این آیین‌ها، خون قربانی با جاری شدن روی زمین نیروی‌های زاینده خود را به زمین و از آن طریق به سایر جانداران از جمله انسان می‌بخشد. عبور شراب در بسیاری از مراسم از درون ظرفی که جام آن گاهی به شکل شاخ جانور و دهانه خروجی اش به شکل سر جانوران است، به‌طور نمادین به مفهوم انتقال نیروی حیاتی جاندار به انسان بوده است. در اینجا شراب، جایگزین خون قربانی در آیین‌های بسیار کهن و پیشاتاریخی است. محل خروج مایع از ریتون نیز در قسمت‌های مختلفی قرار دارد. گاهی شراب از بالای سر یا پشت و یا دهان جانور خارج می‌شود و گاهی محل خروج در سینه یا حتی در پنجه‌های او تعبیه شده است.

گیرشمن معتقد است «ریتونی که شکل اسب دارد در مراسم تدفین مردگان به کار می‌رفته است. رابطه سحرآمیز بین اسب و مرده یا مردگان تا مرزهای پیش از تاریخ اقوام هندواروپایی بالا می‌رود و در عادات و رسوم پاره‌ای از ملت‌های عصر حاضر نیز وجود دارد. منظور از این عمل این بود که حیوان یا قالب آن را در قبر قرار دهند تا بتواند روح مرده را به دنیای دیگر ببرد» (گیرشمن، ۱۳۸۵: ۲۹۱). باتوجه به کاربردی بودن ظرف و جایگاه معنوی اسب در آن دوره، به نظر می‌رسد قبل از اینکه در تدفین مرده استفاده شود درون آن را از مایعی مقدس پر می‌کرده و در مراسم آیینی خاصی آن را به کار می‌بردند.

هوم هم گیاه است و هم خدا. نوشابه هوم نوعی آشامیدنی آریایی باستانی برای بی‌مرگی است. این شیره مستی‌آور از گیاهی که اکنون بازشناختنی نیست گرفته می‌شد. فشردن این گیاه (کوبیدن در هاون برای به دست

ظریف اسب با نوع کاربرد احتمالاً تزئینی آن بسیار هماهنگ است. به نظر می‌رسد این دست ابزار آلات خاص طبقه مرفه بوده که مدتی مورد استفاده قرار می‌گرفته و بعد از مرگ در گورهایشان دفن می‌شده است.

#### نقش تعیین کننده اسب در اشیای ترکیبی

تمدن لرستان، علاوه بر مفرغ‌کاری‌های بسیار دیدنی، شیشه‌کاری‌های خوب و مهره‌های سنگی و ظروف سفالی درشتی که اغلب آن‌ها فقط با رنگ سرخ آهنی آراسته می‌شد به وجود آورده بود. اما معنی اشکال و نقوش مفرغی مخصوصاً در شکل‌های مرکب و درهم آمیخته هنوز معمای است (پوپ، ۱۳۸۰: ۴۲). شاید بتوان با شناخت آیین و مذهب مردم دوره ماد پاسخی برای آن پیدا کرد. سبوی سفالینی متعلق به ۱۰۰۰ تا ۸۰۰ ق.م به نقوش هندسی آراسته است و نقش اسب در بدنه ظرف به رنگ قهوه‌ای تصویر شده است (تصویر ۹). «کلیه حیوانات اهلی طرف پرستش قرار می‌گرفتند، زیرا این نوع حیوانات برای مردم پیش از تاریخ مظهر خدایانی تلقی می‌شدند که در هیئت و شکل حیوان درآمده‌اند» (برزین، ۱۳۵۶: ۱۰۴). از آنجاکه انسان ماقبل تاریخ به آنچه دیدنی نبود اعتقاد نداشت و برای او پذیرفتن خدای واحدی که ملموس نیست مشکل بود، خدایان خود را در قالب موجودات روی زمین مجسم می‌کردند. هنرمند با استفاده از اشکال ساده هندسی تصویر حیوان را متناسب با حجم سبوی سفالین نقاشی کرده است. گردن بلند اغراق آمیز و سرمثلثی شکل اسب در تقارن با قسمت گلوگاه و منقاری شکل آبریز قرار دارد. شیوه طراحی بدن اسب با خطوط جاندار و زنده‌نما روی ریتون به گونه‌ای است که ابتدا به صورت نیمرخ ظاهر می‌شود و با چرخش ظرف قسمت‌های دیگر بدن اسب مشاهده می‌شود.

کوزه‌گر ایرانی در عین حال پیکره‌ساز نیز هست و علاقه زیادی به ساختن ظروفی به شکل حیوان دارد (تصویر ۱۰). بسیاری از آثار سفالین به شکل اسب برای نگهداری مایعات استفاده می‌شدند که به آن ابریق می‌گفتند. تکوک یا مرغان صراحی ظرف‌هایی بودند که در دوران کهن به شکل حیوانات

۱. وسیله‌ای برای نوشیدن مایعات در عهد باستان بوده است.  
۲. ظرفی که برای نگهداری مایعات از آن استفاده می‌شده است و مستقیماً از آن نمی‌نوشیدند.



تصویر ۹. سبوی سفالین با آبریز منقاری شکل، ۱۰۰۰ تا ۸۰۰ قبل از میلاد، سیلک کاشان، موزه ملی ایران، مأخذ: گیرشمن، ۱۳۴۶: ۲۸۱.



تصویر ۸. پلاک برنزی به شکل اسب، قرن ۶ ق.م، نیویورک، مأخذ: [www.e-tiquities.com](http://www.e-tiquities.com)



تصویر ۱۰. ریتون به شکل اسب، قرن ۸ تا ۹ ق.م، املش، مجموعه خصوصی، تهران، مأخذ: همان

سیاهی نقش شده تا نقش عضلات را بنمایاند. با توجه به فرم ظرف و سوراخی که در سینه دارد کاربرد ظرف در هنگام خروج مایع از آن به گونه‌ای است که حس حرکت چهارنعل اسب را تداعی می‌کند، چنان‌که به تناسب فرم و کاربرد آن در ریتون و ارتباط آن با اسب اشاره می‌کند.

اسبی که در اینجا نشان داده شده از انواع اسب‌های دره آلب است که در این منطقه تربیت می‌شده و از حیث نیرو و مقاومت شهرت فوق‌العاده داشته است. در نقش رنگین این ظرف رنگ قرمز بیشتر به کار رفته و از رنگ سیاه برای برجسته‌کردن خطوط استفاده شده است. روی پیشانی حیوان سربندی نقش شده و سپس پیشانی‌بندی به شکل مستطیل نشان داده شده که روی خط عمودی مرکزی قرار گرفته و از هر طرف سه نوار موجدار به صورت مایل منشعب شده است. در طرفین گردن، دو نشانه به شکل گل زنبق دیده می‌شود. این نشانه یا داغی است که صاحبان اسب‌ها در میان اقوام صحراگرد برای متمایز شدن حیوان روی گردن آن می‌گذاشتند. سه نوار از جلو به نمد «جل» پشت اسب متصل می‌گردد. افسار حیوان از پشت گردن و روی یال شروع می‌شود و کوتاه است و به صورت برجسته نشان داده شده است و چشم و کاکل اسب نیز برجسته است. این کاکل از ویژگی‌های اسب‌های ایرانی است. جل یا نمدی که

آوردن شیر) نوعی قربانی غیرخونین است. قربانی شدن او موجب شکست شر است. او ایزدی است که قربانی می‌شود تا مردم به زندگی برسند (هینلز، ۱۳۸۱: ۵۰). شیرۀ هوم هم مستی آور بوده و هم مقدس شمرده می‌شد و احتمال دارد در ریتون‌ها و ابریق‌ها مورد استفاده بوده باشد.

با توجه به کاربرد این ریتون‌ها در هیئت اسب می‌توان گفت که این دست آثار، نماد پیروزی، نیروی مقدس، جاودانگی، شفابخشی، برکت و رهایی از خطر بوده است. در شمال غرب ایران، نزدیک مرز ترکیه در کنار شهر ماکو، ریتون زیبایی به شکل اسب کشف شد (تصویر ۱۱). این جام از گل بسیار ظریف ساخته شده و رویه آن کاملاً صاف و شبیه لعاب و به رنگ پشم شتر است. این ظرف در تشریفات مذهبی به کار می‌رفته و دهانه آن روی پشت حیوان قرار دارد و لبه آن برگشته و فراخ است. روی سینه حیوان، سوراخی وجود دارد که از آن مایع مقدس بیرون می‌آمده است. ارتفاع دهانه پشت ظرف از قد اسب اندکی بلندتر است و به گونه‌ای ایستایی و تعادل ریتون را تضمین کرده است. سر کوچک و اندام فربه و پاهای خیلی کوتاه آن را از بقیه آثار متمایز کرده است. با توجه به تغییر شکل اغراق‌گونه در پیکر اسب، به نظر می‌رسد که اندام حجیم اسب به منظور جادار شدن ظرف برای مایع مقدس و همچنین فضای بیشتر برای نقاشی روی آن ساخته شده است. روی بدن حیوان لکه‌های قرمزی قرار داده شده و در فاصله آن لکه‌های قرمز خطوط موازی



تصویر ۱۴. طرح دو طرف اسب سفالین شوش مقدمه‌ای برای ریتون‌سازی پیشرفته در دوره هخامنشیان بوده است، مأخذ: همان



تصویر ۱۲. گل زنبق روی گردن ریتون ماکو، مأخذ: همان



تصویر ۱۱. ریتون منقوش اسب، قرن ۸ ق.م، موزه تهران، مأخذ: گیرشمن، ۱۳۴۶، ۲۸



تصویر ۱۵. مجسمه کوچک برنزی اسب سوار، املش، قرن ۹ تا ۸ ق.م، مجموعه خصوصی، تهران، مأخذ: گیرشمن، ۱۳۹۰، ۳۵



تصویر ۱۳. اسب سفالین شوش، ۸۰۰ تا ۶۰۰ ق.م، مأخذ: مهربان معینی، ۱۳۸۶، ۱۵

لوله آبریز قوری، متمایل به پایین است و فرم مستطیلی بدن اسب به ظرف بودن آن تأکید می‌کند. برآمدگی کاکل و یال و قسمتی از دم خوابیده حیوان در پشتش خط مزر قرینه‌ای را برای دو طرف اسب به وجود آورده و گوش‌ها از دو طرف سر بیرون زده و به گونه‌ای ایستایی و تعادل اسب را نشان می‌دهد. فرم اندام اسب به قدری ظریف و نرم است که نگاه در راستای فرم موج بدن از سر تا پاهای اسب سر می‌خورد. این قبیل اشیا بسیار نمادین‌اند. بر پشت مجسمه اسب شکل زین و برگ طراحی شده است. یک طرف آن تصویر دو گراز است در طرفین یک مربع، که داخل آن با خطوط عمودی و افقی متقاطع تزیین شده و در طرف دیگر تصویر گراز در حال تاخت و تاز در نیزار نشان داده شده و درخت زندگی بین دو گراز مجسم شده است. طرح مرغ ماهیخوار در هر دو طرف به چشم می‌خورد. در دوران قبل از تاریخ، نقش مربع که با خطوط افقی و عمودی شطرنجی شده نشانه زمین‌های مزرعی بوده است (تصویر ۱۴). شاید بتوان ابهام اشیای ترکیبی یا ریتون‌ها را با این توضیح قابل حل کرد. در اساطیر ایران باستان، برای خدایان اهمیت خاصی قایل بودند و هر کدام وظیفه‌ای داشتند. از جمله آن‌ها ورثرغنه یا بهرام خدای پیروزی، وجودی انتزاعی از یک اندیشه بود، تعبیری از نیروی پیشتان و غیرقابل مقاومت.

پشت اسب انداخته شده در دوران هخامنشی عمومیت پیدا می‌کند و چنین به نظر می‌رسد که کپیه‌ای از چرم یا نمد تزیین شده باشد. در هنر ماد و قبل از آن، قالی پشت اسب زمینه‌ای برای هنرنمایی و نقش‌اندازی هنرمندان آن دوره می‌شود. این جل به دو قسمت تقسیم شده و نقش هر دو قسمت آن مربوط به شکار است. تعدادی گل‌های پنج‌پر در زمینه نمد نشانه‌ای از مزارع و تپه‌های سبز است (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۲۸۷). زنبق نماد جشن امردادگان است. (تصویر ۱۲). امرداد در فارسی، در اوستا امردتات و در پهلوی امردات به معنی جاودانگی و بی‌مرگی است. امرداد نماد سرزندگی، نوزیستی و جوانی همیشگی است. ریتون مذکور نیز در مراسم آیینی مورد استفاده بوده و در آن مایع مقدس ریخته می‌شد و نماد جاودانگی بوده است.

ابریق سفالین مکشوفه در شوش ظرف زیبایی است که با سری طبیعت‌گرا و یال موج و طرح نجیبانه خود بسیار گیراست (تصویر ۱۳). نقش این ظرف به رنگ قرمز جگری بر زمینه زرد است. نژاد اسب منقوش روی ریتون شوش با اسب ماکو متفاوت است و از آن ظریف تر و سرکش تر است و به اسب عربی نزدیک تر می‌شود. زین و برگ اسب شوش به اسب ماکو شبیه است، با این تفاوت که پیشانی بند آن به شکل مثلث است. سر کوچک و گردن ظریف اسب مانند





تصویر ۱۶. اسب بالدار، جنس: عاج، قرن ۸۰۰ ق.م، اندازه: ۲۸ در ۵۵ در ۰۹ سانتی متر، محل کشف: سرخ دم لرستان، موزه متروپولیتن، مأخذ: [www.raeeka.wordpress.com](http://www.raeeka.wordpress.com)

که هم نگهدارنده عالم و هم منشأ سایر درختان و میوه‌ها و حتی حیوانات بود. درخت زندگی که معمولاً در تصاویر و نقوش، میان دو راهب و کاهن یا دو جانور افسانه‌ای قرار دارد که نگاهبانش به‌شمار می‌روند، رمز نیروی مقدس و راز آلود محسوب می‌شود (مرتضوی، ۱۳۸۷: ۱۱). با این توصیف استفاده از این ظرف در قالب اسب، با تصاویر گیاهی و حیوانی در مناسک مذهبی و آیینی برای جاودانگی و شفایافتن و رهایی از خطر و پیروزی در نبرد، امری مرسوم بوده است. تصویر ساده گل لوتوس به‌صورت گلدانی در گردن اسب دیده می‌شود که برگرفته از هنر آشور بوده و در دوره هخامنشی در شکل‌های مختلف دیده می‌شود. در دین زرتشت این گل سمبل اهورامزداست. ظهور نیلوفر از آب‌های اولیه که عاری از هرگونه آلودگی بوده، نشانه خلوص، پاکی و نیروی بالقوه است و از درون آن نیروی مقدس روییده است. گل لوتوس نماد کامیابی، روشنائی، عبادت، صلح و دوستی است.

با توجه به محل کشف ریتون‌ها به نظر می‌رسد ریتون اسب شوش (تصویر ۱۳) احتمالاً متأثر از تمدن غنی ایلام بوده و ریتون اسب ماکو (تصویر ۱۱) متأثر از اورارتو بوده است. ولی کاربرد آنها یکی بوده و هر دو برای خدای پیروزی ساخته شده‌اند. فلزکار به تقلید از پیکره‌ساز، شکل اسب را نمودار ساخته است. این حیوان به‌صورت ساده با کمی اغراق در بالاتنه لاغر و اندام هندسی و سر مکعبی شکل و چشمانی درشت ساخته شده است (تصویر ۱۵). مردی روی اسب سوار است و آن را به‌سوی مسیر خاصی هدایت می‌کند. طرح کلی مجسمه ساده و انتزاعی است و با حالت نشستن مورب مرد سوار و شکل اندام اسب، بسیار زنده‌نما

در سرودی که به او اختصاص دارد او دارای چند شکل است، از جمله باد تند، گاو نر، اسب سفید با ساز و برگ زرین، شتربارکش، گراز، پرنده تیز پرواز، قوچ وحشی، بز نر جنگی و مردی که شمشیر زرین تیغه در دست دارد. بهرام بر شرارت آدمیان و دیوان غلبه می‌کند و بدکاران و نادرستان را عقوبت می‌کند (هینلز، ۱۳۸۱: ۴۲). با توجه به ظروف و دست‌ساخته‌های دوره ماد که در قالب اشکال حیوانی اسب، گراز، گاو نر، بز وحشی را در نقوش روی سفال‌ها و نقوش ترکیبی ظروف، و همچنین با مشاهده نشانه‌های کاربردی آیینی این ظروف و نقش مهم خدای پیروزی در زندگی مردم ایران باستان و همچنین شکل‌هایی که بهرام در آن ظاهر می‌شده می‌توان این ظروف را محصول اعتقاد به خدای پیروزی دانست. آنها معتقد بودند بهرام از نظر نیرو، نیرومندترین و از نظر پیروزی، پیروزمندترین است. در صورتی که به شیوه‌ای درست برایش قربانی کنند، در زندگی و در نبرد پیروزی می‌بخشد. با این تفسیر، مردم برای دور ماندن از بلایا و پیروزی در جنگ ریتون‌هایی در قالب اسب ساخته و اشکال مختلف حیوانی را روی آن می‌کشیدند و در مناسک دینی از آن استمداد می‌طلبیدند. گراز هم یکی از نمادهای بهرام است که در ریتون به چشم می‌خورد. احتمالاً با این تصویر، و به‌جا آوردن مراسم آیینی می‌خواستند جلوی حمله گرازها را به مزارعشان بگیرند. درباره درخت زندگی که تصویر آن روی ریتون دیده می‌شود، در لغت‌نامه دهخدا کلمه «گوکرن» آمده و به این معنی است که درخت زندگی در افسانه‌های ایران باستان شفابخش هر مرض به‌شمار می‌رفته است.

در اساطیر بین‌النهرین، درختی در مرکز عالم قرار داشت



تصویر ۱۹. ریتون با طرح مردی سوار بر اسب، هنر هخامنشیان یافت شده در Arin Berd، مأخذ: موزه آریونی ارمنستان



تصویر ۲۰. ریتون با طرح اسب، هخامنشیان، یافت شده در Arin Berd، مأخذ: همان

هزاره دوم پیش از میلاد در سلیک، اسبی که به صورت بالدار تصویر شده به دست آمده است که در زمره پخته‌ترین آثار منقوش به شمار می‌رود (تجویدی، ۱۳۷۵: ۲۲). فرم نشستن اسب این ذهنیت را تقویت می‌کند که این مجسمه صرفاً برای نگهداری از مرده در آرامگاه مورد استفاده بوده است. اسب بالدار نشسته با اشکال هندسی فرم ساده شده اسب نشسته را به نمایش گذاشته است. شیوه اجرای این مجسمه ساده و انتزاعی است و سر اسب نسبت به دیگر اندام او کوچک است.



تصویر ۱۷. گردونه چهاراسبه، برنزی، قرن ۴ تا ۵ ق.م، مأخذ: گیرشمن، ۱۳۴۶: ۱۲۸.



تصویر ۱۸. تندیس طلایی اسب‌سوار، سده ۴ تا ۵ ق.م، ارتفاع ۳۶ سانتی‌متر، موزه آرمیتاژ، مأخذ: [www.raeeka.wordpress.com](http://www.raeeka.wordpress.com)

می‌نماید. چشمان لوزی شکل این حیوان را می‌توان در دیگر آثار این دوره نیز مشاهده کرد. اینکه مجسمه صرفاً اسباب‌بازی بوده یا جنبه آیینی داشته است تردید وجود دارد ولی با توجه به اینکه شکل تکامل یافته‌تر این حجم را در دوره هخامنشی می‌بینیم، می‌توانیم جنبه آیینی بودنش را جدی تلقی کنیم. همچنین جنسیتی که اسب و سوار از آن ساخته شده احتمال اسباب‌بازی بودنش را به دلیل سنگینی برای استفاده کودک به حداقل می‌رساند. فرم های مکعبی ساده با قطر یکسان در گردن و بدن و تا حدی در پاها از ویژگی های عمده‌ترین ویژگی این مجسمه فلزی تسلط انسان بر اسب است و دست چپ سوار به گردن اسب متصل است. شاید برای رسیدن به خواسته‌هایشان در تسلط بر اسب از آن در مراسم آیینی استفاده می‌کرده‌اند.

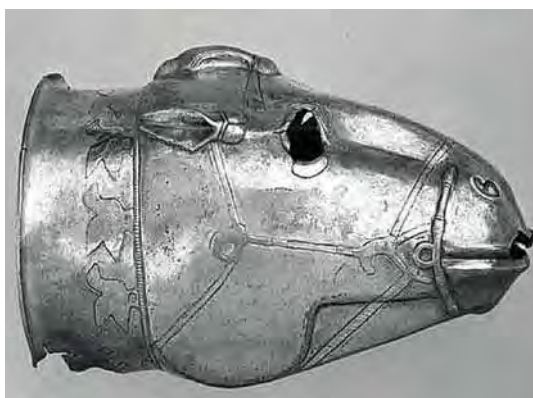
اسب بالدار به صورت نشسته و سر رو به پایین و با نقوش حکاکی شده روی بال، کپل و شکمش تجسم یافته است (تصویر ۱۶). نقش خورشید در قسمت کپل اسب نمایان است و سندی معتبر مبنی بر ارتباط بین اسب و خورشید است. این اسب نشانه‌ای از خدای خورشید است. در اواخر



تصویر ۲۲. قالی پازیریک، جزئیات. موزه آرمنیاز، مأخذ: گیرشمن، ۱۳۴۶: ۳۶۱.

اسب‌ها نسبت به درشکه و سواران کوچک است و پاها نسبت به بالاتنه بلند و کشیده تجسم یافته است. گیرشمن معتقد است که این اثر تحت تاثیر هنر کشور اورارتو ساخته شده است (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۲۶۳). حالت سکون و وقار اسب‌ها با سرهای خمیده رو به جلو و کاکل روی سر و چشم‌های برجسته از ویژگی‌های آثار دوره هخامنشی است. یکی دیگر از آثار به دست آمده از دوره هخامنشیان مجسمه طلایی کوچکی است که می‌توان آن را در زمره شاهکارهای هنری هخامنشی دانست (تصویر ۱۸). استخوان بندی ظریف، پاهای خمیده آغراق آمیز، گوش‌های نسبتاً بزرگ از ویژگی‌های اسب است. این مجسمه، شکل تکامل یافته‌تر مجسمه اسب سوار بر نری دوره ماد است. فرم‌های خمیده رو به جلو که با فرم منحنی کاکل اسب تکمیل می‌شود به نوعی حرکت رو به جلو و رسیدن به مقصد را تداعی می‌کند. هماهنگی جالبی بین اجزای مختلف این مجسمه وجود دارد. برای مثال کاکل روی سر اسب با تاج روی سر مرد سوار، به صورت هاشوری نقر شده و در یک راستا قرار گرفته‌اند. طراحی حساب شده در کل اثر، از خطوط منحنی پیروی می‌کند. این خطوط در پاهای بدن، سر و سینه اسب نیز دیده می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از قهرمانان باستانی بر این اسب زرین در حال تاخت سوار است.

در اوستا آرش را اَرخِشه خوانده‌اند به معنی دارنده ساعد نیرومند و خداوند تیر شتابان. احتمالاً اسب سوار همان آرش باشد. این مجسمه نیز در عبادتگاه مورد استفاده بوده است. ریتونی در هیئت اسب منسوب به هخامنشیان در ارمنستان یافت شده (تصویر ۱۹) که با دقت در جزئیات و رعایت تناسب اندام فوقانی اسب، ویژگی‌های اسب دوره هخامنشی در این اثر دیده نمی‌شود. مرد اسب سوار در اندامی فربه و قدی کوتاه نمایش داده شده است. اندام فربه



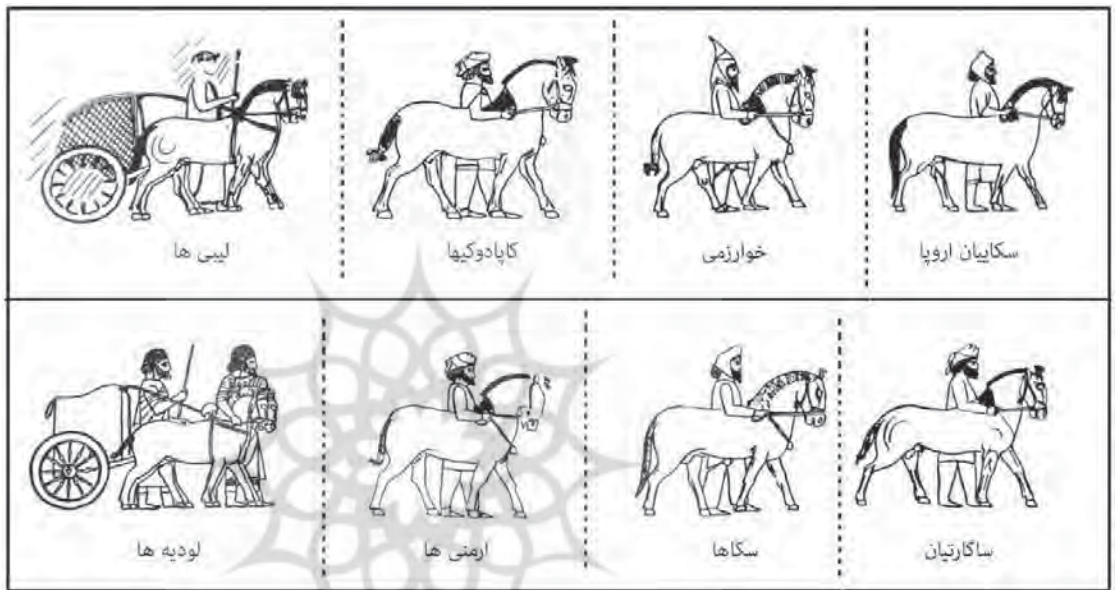
تصویر ۲۱. ریتون نقره به شکل سر اسب، هخامنشیان، یافت شده در مازندران، مأخذ: موزه متروپولیتن.

بافت کمر بندی روی بال و شکم اسب و همچنین هاشورهای حکاکی شده در قسمت پشت و یال و قسمت زیرین پای اسب در کنار سطح یکدست بقیه اندام اسب تضاد ایجاد کرده است. فرم‌های دایره وار روی شکم اسب و چشم اسب با فرم خورشیدوار بر کپلش به قسمت‌های اصلی اندام اسب اشاره کرده‌اند. این فرم‌ها علاوه بر زیبایی، جنبه نمادین و آیینی این حجم را نیز نشان می‌دهند. در اینجا، خدای خورشید، فرم اسب و نقش نگهداری از مرده، یکجا در یک حجم به چشم می‌خورد. یکی از آثار به جامانده از دوره هخامنشی، گردونه زرینی است که نیمکتی برای نشستن دارد و چهار اسب آن را می‌کشند (تصویر ۱۷). در کنار راننده گردونه، شخصی پشت به راننده نشسته است. لباس و زینت‌های هر دو به سبک ایرانی است. اسب‌ها نسبت به سواران و درشکه جثه کوچکتری دارند. شکل کلی اسب‌ها غیر واقعی می‌نماید و پاهای کشیده و بلند اسب، مانند پایه‌هایی ظریف و موج بالاتنه ظریف اسب‌ها را بالا نگهداشته است. با کمی دقت متوجه می‌شویم که پاهای جلوی حیوان از پاهای عقب آن بلندتر است. در واقع حجم کلی این گردونه از جلو بر پاهای جلوی اسب و از عقب بر چرخ‌های گردونه استوار است.

چشمان برجسته و کاکل روی سر با گوش‌های کوچک و اندام ظریف از مشخصه‌های این حجم است. رنگ طلایی اسب‌ها و حالت کرنش در سرهای خمیده رو به جلوی اسبان به گونه‌ای جنبه مذهبی بودن این اثر را پررنگ‌تر می‌کند. ایزدان مهم در آیین زرتشتی صاحب گردونه‌اند، از جمله میترا، ایزد دوستی و پیمان که با کلاه خود و زره بر تن بر پیمان شکنان می‌تازد و اسبان گردونه زیباتر از اسب‌های دیگر سفید و بی‌لکه‌اند و زین و برگ زرین دارند. سم‌هایشان آراسته به زر و سیم است. این اسب‌ها تندتر از بادها و مرغان تیزپروازتر از تیر ره‌اشده‌اند (معینی، ۱۳۸۶: ۳۳). با این توصیف، شکی باقی نمی‌ماند که این گردونه یک گردونه نذری است که متعلق به عبادتگاهی بوده و شخصی که پشت به راننده با کلاه خود و لباس رزم نشسته میتراست و تبریزین‌هایشان بر پشت افسار اسب‌ها قرار دارد. اندازه کلی



تصویر ۲۳. جبهه شمالی پلکان شرقی آپادانا، قرن ۶-۵ ق.م، مأخذ: Splendors of the Ancient Persia



تصویر ۲۴. تصاویر اسب‌های گوناگون در دوره هخامنشی، مأخذ: سعیدی، ۱۳۷۶: ۸۹-۱۰۰.



تصویر ۲۵. پلکان شرقی آپادانا، نمایندگان ملل مختلف، قرن ۶-۵ ق.م، مأخذ: Splendors of the Ancient Persia



تصویر ۲۶. پلکان شرقی آپادانا، نمایندگان ملل مختلف، قرن ۶-۵ ق.م، مأخذ: Splendors of the Ancient Persia



تصویر ۲۷. پلکان شرقی، شامی یا لودی، قرن ۶-۵ ق.م، مأخذ: Splendors of the Ancient Persia

مرد سوار بر اسب در کنار هیکل گوشتالوی اسب با چشمان و ابروان برجسته و گوش‌های کوچک و یال کوتاه ساخته و پرداخته شده است. ریتون زیبایی که فرم‌های به‌ظاهر توپر (در واقع توخالی) و پرداخت‌های ظریف به‌گونه‌ای شاخص در کل اجزای آن دیده می‌شود. ارتفاع اندام رو به جلوی مرد سواره کوتاه‌تر از دهانه متمایل به چپ ریتون است و در امتداد پاهای تاشده جلویی اسب که نقطه ثقل ریتون روی زمین است، قرار گرفته و باعث شده تعادل ظرف در مقابل دهانه بزرگ در جهت مخالف فرم نشسته اسب، حفظ شود. جثه اسب نسبت به مرد سواره کوچک است. فرجه بودن اندام اسب و سوار باعث شده ریتون جادارتر باشد از این رو این ویژگی علاوه بر زیبایی، ارتباط مستقیمی با کاربرد ظرف دارد. باتوجه به مدل کلاه، لباس، سلاح کمری، اجزای صورت، ریش و موی مرد اسب‌سوار، به‌نظر می‌رسد این ریتون توسط هنرمندان محلی به سفارش یکی از امرای دوره هخامنشی ساخته شده باشد. از آنجاکه امپراطوری هخامنشی وسعت زیادی داشته و این ریتون در ارمنستان پیدا شده، می‌توان الگوی اولیه این اسب را اسب‌های نژاد قره‌باغ دانست. اسب قره‌باغ یک اسب سواری با پاهای بسیار قوی است، که خاستگاه آن منطقه قره‌باغ واقع در جنوب قفقاز است. در طول دوران حکومت مادها، هنر ریتون‌سازی پیشرفت بسیار کرد. این هنر در دوران هخامنشیان به اوج خود رسید. می‌توان گفت هنر ساخت ظروف ترکیبی در دوره ماد با مفاهیم آیینی خاص خود، مقدمه‌ای برای ریتون‌سازی پیشرفته در دوره هخامنشیان بوده است.

۲۹۰). در مراسم مذهبی ریتون‌ها بیشتر به‌صورت گلابدان به‌کار می‌رفته است. با توجه سرباز و گشاده بودن دهانه ریتون، با ریختن عطر در آن و نصب آن در فضای خالی اتاق‌ها و تالارهای معابد، فضای موجود را معطر و روحانی می‌کردند. ریتون مذکور، جنبه تشریفاتی داشته و در

در آیین زرتشت نوشیدنی‌های مستی‌آور مورد نکوهش بوده و همیشه شیره گیاه را به‌کار می‌بردند و سنت به‌کار بردن مسکرات در آیین دینی هم از میان رفته بود (نیبرگ، ۱۳۸۳:



تصویر ۲۸. پلکان شرقی اپادانا، یک خوارزمی، قرن ۶-۵ ق.م مأخذ: Splendors of the Ancient Persia.

است. هنرمند هخامنشی با استفاده از حجم‌نمایی استخوان بینی و فرورفتگی زیر فک علاوه بر زیبایی جا، شکل کاربردی آن را نیز مد نظر داشته است. تمام موضوع‌هایی که مربوط به حیوان است، تقریباً همه جا به سبک و روش هر ناحیه دیده می‌شود. کاربرد این جام نیز در مراسم آیینی و مذهبی بوده است.

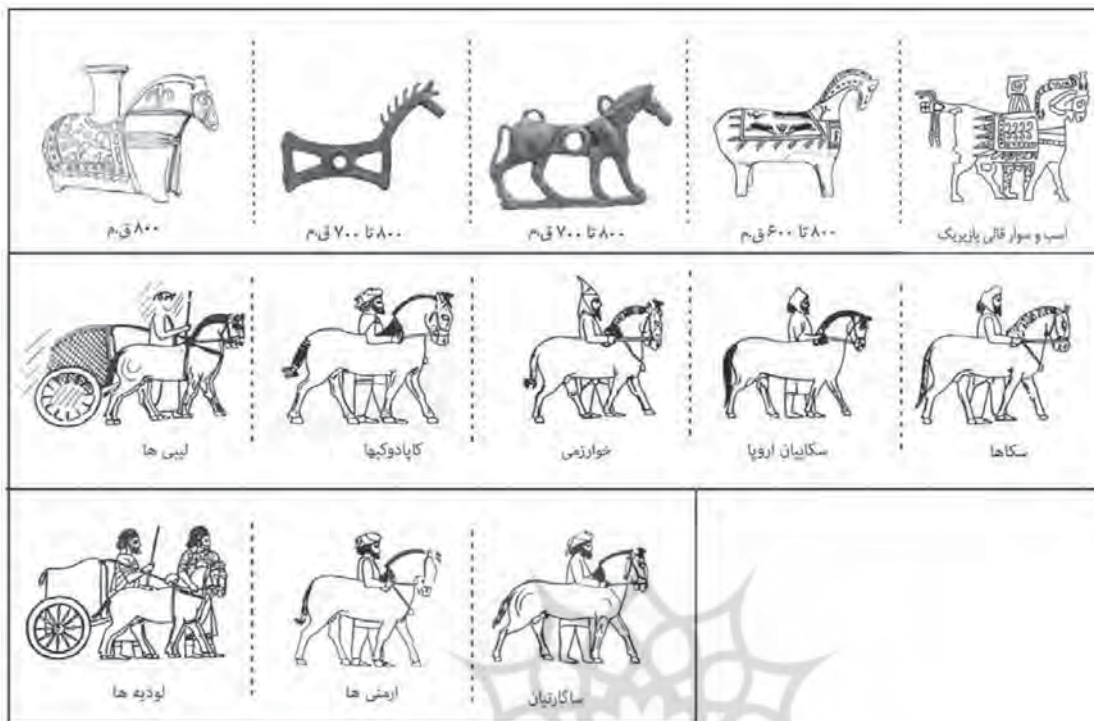
#### اسب در جایگاه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دوره هخامنشی

هخامنشیان پس از مادها، وارثان فرهنگ و تمدن پیشین فلات ایران و حکومت پیش از خود بودند و فرهنگ و تمدنشان شاخصه‌ی هنری قابل توجه راتاکنون عرضه داشته است. در این دوره اسب جایگاه اشرافی و درباری پیدا کرده و به نوعی نماد تمدن با فرهنگ و اسب دوست ایرانیان در بین تمدن‌های دیگر است. اسبان سواره‌نظام ماد و هخامنشی از لحاظ جثه درشت، زیبایی و سرعت بی‌نظیر، و دارای اندازه‌ای متوسط، با گوش‌های کوچک و سری ناهم‌اند با سایرین بوده‌اند. تحقیقات باستان‌شناسان در منطقه پازیریک در آلتایی منجر به کشف آثاری از جمله پارچه، قالی و گلیم شد. از مجموع پنج مقبره سکاها کشف شده از سوی رودنکو، باستان‌شناس روسی، سی‌وچهار اسکلت اسب و مقداری لوازم مربوط به زین و برگ اسب به دست آمده است. قالی پازیریک از این مقادیر یافت شده، قدیمی‌ترین منسوج پرزداری است که تاکنون شناخته شده است (Rudenko, ۱۹۷۰: ۱۷۴). رودنکو در این قالی به طرح اسبان و سواران اشاره می‌کند (تصویر ۲۲). استفاده از دهنه‌های طلا، تسمه‌های دهنه، گردن و سر اسب مزین به قطعات طلای منقوش است. از تصاویر این دوره معلوم می‌شود که اسب دارای پیش‌سینه

مراسم و اعیاد مورد استفاده قرار می‌گرفته است. هنرمندان هخامنشی با ابتکار و خلاقیت این هنر را به حدی رساندند که از نظر تزئین و زیبایی بدنه، و جامی که به‌طور عمودی روی گرده حیوان قرار داده می‌شد، در مقایسه با نمونه‌های پیش از خود زیباتر و کامل‌تر بودند (تصویر ۲۰). این ریتون با طرح اسب در ارمنستان یافت شده که با یال بلند و پاهای عضلانی، زین و یراق و ابروان برجسته به نمایش درآمده است. فرم خمیده سر اسب، با دهان و چشمان باز حالتی زنده‌نما دارد. یال‌ها به شکل رشته‌رشته و موازی هم قسمت میانی ریتون را از بقیه جاها متمایز کرده است. حالت نشسته اسب روی پاهای جمع‌شده به داخل و نگاه رو به پایین، به نوعی کرنش و احترام حیوان را نشان می‌دهد که با کاربرد آن در مراسم مذهبی و آیینی بسیار تطابق دارد.

شکل این ریتون‌ها - که در آنها قسمت جلو بدن حیوان به جامی که به‌صورت عمود روی آن قرار گرفته متصل می‌گردد و در همه نواحی شاهنشاهی هخامنشی یکسان است و از شکل‌های ماد و سکایی اقتباس شده است، وحدت سنت‌های هخامنشی را نشان می‌دهد (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۲۵۲). یک جام از جنس نقره به شکل سر اسب متعلق به دوره هخامنشیان در مازندران یافت شده است (تصویر ۲۱). این ظرف از دو قسمت تشکیل شده است: یک جام استوانه‌ای و پوسته‌ای به شکل سر اسب که آن را پوشانده است. نقش‌های افسار اسب، جزئیات چهره و ردیفی از پرندگان به‌دور دهانه قلم‌زنی شده است. در این جام از نقوش برجسته چشم‌ها و افسار و جزئیات چهره اسب خبری نیست. حالت سر و اجزای اسب، اسب رونده با گوش‌های خوابیده را در ذهن تداعی می‌کند. تغییر شکل سر اسب تابع فرم جام شکل گرفته است. جای دست در فرورفتگی زیر فک و برجستگی بینی تعبیه شده

جدول ۱. سیر تحول اسب از دوره ماد تا دوره هخامنشی.



جمله حیوانات مختلف را به عنوان هدیه به همراه دارند که مهم‌ترین آنها اسب است (گزنفون، ۱۳۸۳: ۲۲۳). در این دوره هنوز نعل اسب مورد استفاده نبود. زین اسب که در این زمان متداول شد تکه‌ای قالی یا نمد بود که در لبه‌های آن منگوله یا ریشه وجود داشت. هخامنشیان به ندرت سرو سینه اسب را توسط زره می‌پوشاندند (Shahbazi, 1986: 727). البته استفاده از قالی یا نمد به عنوان زین به دوره ماد برمی‌گردد، ولی در این دوره رواج پیدا کرد. در تخت جمشید در دیواری که در پیشانی سکویی قرار گرفته که روی آن تالار آپادانا ساخته شده و در حقیقت به منزله پایه کاخ است نمایندگان ۲۳ ملت تابع شاهنشاهی و درباریان پارسی و مادی، همراه اسب‌ها و گردونه‌های پادشاهی و سربازان شوشی دیده می‌شوند. آرایش اسب در اعصار گذشته در حقیقت چیزی از آرایش ارتش محسوب می‌شد. تصویر عالی حیوانات اغلب مورد توجه حجاران هخامنشی بوده است. تشابه زیاد اسب‌های جبهه شمالی پلکان شرقی آپادانا نشان می‌دهد که بیشتر اعتبار آن مربوط به طراح است و نه حجار (تصویر ۱۹). به درستی مشخص نیست اینکه حجارانی بوده‌اند که در حکاکی حیوانات و اسب‌ها تخصص داشته‌اند یا نه. اما با توجه به تفاوت‌هایی که در اجرا و ترسیم نقوش کنده‌کاری شده مشاهده می‌شود می‌توان فرض کرد این اسبان توسط دو یا چند تیم مجزا حکاکی شده‌اند، در طراحی اسب چندگونه طراحی وجود دارد (تصویر ۲۴).

از جنس قالی است. شیوه گره زدن دم اسب‌ها و نیز کاکل آنها به رسم ایرانیان است. این دم گره خورده و کاکل برجسته را می‌توان در حجاری‌های تخت جمشید نیز ملاحظه کرد. در نقوش تخت جمشید هیچ‌یک از سواران بر اسب سوار نیستند ولی در قالی پازیریک به طور یک‌درمیان بر اسب خود سوارند و شلاق مادی نیز وجود دارد. از این رو نمی‌توان آن را متعلق به دوره هخامنشی دانست. پوشش اسبان نیز از نقشی روستایی برخوردار است. در این قالی اسب با صلابت و با قامتی ایستا که یادآور آثار دوره هخامنشی و نشان‌دهنده جایگاه اسب در فرهنگ ایران باستان است نقش‌پردازی شده است. احتمالاً این قالی متعلق به دوره گذر از ماد به هخامنشی است. به دلیل تأثیراتی که از هنرمندان کشورهای مختلف در این دوره دیده شده، تغییراتی در نحوه طراحی اسب ایجاد شد: تصاویر کم‌کم از حالت انتزاعی خارج و به طبیعت‌گرایی نزدیک و توجه زیادی به جزئیات و تزیینات اسب می‌شود. در حجاری‌های تخت جمشید اسب آسمانی و مقدس مآب دوره ماد، در دوره هخامنشی به زمین آمده و قدرت و صلابت یک امپراطوری بزرگ و فرهنگ غنی آن دوره را به رخ می‌کشد که به صورت طبیعت‌گرایانه، با صلابت، ایستا و باوقار به نمایش درآمده‌اند (تصاویر ۲۳ تا ۲۸). نوشته‌های هرودت و مطابقت با این نقوش نشان می‌دهد که این نقش برجسته‌ها برای یادبود شرکت مردمان ملل مختلف امپراطوری در جشن سال نوست که هدایای نوروزی را به همراه دارند. این اشخاص بهترین محصولات ایالات خود از

در طراحی جزئیات صورت اسب، عضلات کنار چشم



جدول ۲. سیر تحول فرم اسب از دوره ماد تا هخامنشی

ویژگی تصویر اسب در ظروف ترکیبی	ویژگی تصویر اسب در ابزار و اشیای تزئینی و آیینی	ویژگی‌های تصویر اسب در نقش برجسته‌ها	سبک اجرا
فرم انتزاعی و ساده اندام و یال اسب با گردن خمیده و پاهای کوتاه و بدن نسبتاً درشت	اغراق و تغییر شکل سر اسب در سنجاق‌ها و اغراق در اندام اسب در بقیه آثار و گاه نقوش هندسی بر اندام اسب	-	ساده و انتزاعی در قالب اشیای آیینی و کاربردی
به صورت طبیعت‌گرا و ساخته و پرداخته شده با رعایت جزئیات در یال و برجستگی چشمان و عضلات صورت و حالت نشسته اسب بر روی پاهای جمع شده	به صورت طبیعت‌گرا، اندام ظریف اسب، گردن خمیده، چشمان برجسته، کاکل روی سر	نمای نیم رخ، دقت در جزئیات یال، کاکل روی سر، دم گره زده، اندام ایستا و عضلانی در حالت قدم زدن در کنار انسان در نقش برجسته‌ها	طبیعت‌گرا در قالب نقش برجسته و اشیای تزئینی

جدول ۳. سیر تحول محتوای اسب از دوره ماد تا هخامنشی

اشیای فلزی به شکل اسب	ریتون‌های به شکل اسب	کاربرد ریتون‌ها	نقش برجسته‌های اسب	نماد اسب
زیرسری، سنجاق به شکل اسب، دهنه اسب، زینت‌آلات اسب با کاربرد ابزاری و آیینی و برخی دفن می‌شدند کنار مرده برای عبور به دنیای دیگر	در قالب اسب‌های ساده و انتزاعی	استفاده با انگیزه‌های آیینی و مذهبی، استمداد از خدایان در معابدشان و مراسم تدفین مردگان	-	اسب نشانه خدای خورشید
اشیایی با کاربرد تزئینی و اشیای نذری با کاربرد آیینی	در شکل اسب‌های طبیعت‌گرا	استفاده از ریتون‌ها در مراسم آیینی و مذهبی	اسبان حجاری شده به صورت طبیعت‌گرا و زمینی با کاکل روی سر، چشمان برجسته و دم گره زده، در حالت خشک و ایستا و باوقار	ارتقای فرهنگی، صلابت حکومت و ارتش هخامنشی و تشریفات درباری

تفاوت دارند. در یک سری از اسب‌ها ماهیچه‌های شان جلوب و چپ اسب با یک کانال تقریباً مدور نشانه‌گذاری شده است (تصویر ۲۶)، ولی همین ماهیچه در بقیه اسب‌ها نشان داده نشده است. با این توصیف، می‌توان فهمید گروه‌های مختلفی روی نقش برجسته‌ها و حکاکی‌های آن دوره کار می‌کرده‌اند. قدرت طراحی اسب‌های مختلف، حجم‌پردازی‌های ظریف، تمایل به طبیعت‌گرایی و اجرای سبک خاص هخامنشی در نقش برجسته‌ها از ویژگی‌های اسب‌های این دوره است. در اسب‌های دوره هخامنشی یال‌های گردن کوتاه، و در قسمت بالای سر چون نیم‌تاجی دسته می‌شد و با حلقه‌ای تثبیت می‌گردید؛ دم اسب با روبانی زینت می‌یافت یا گره زده می‌شد و روی اسب زین می‌انداختند. شیوه آرایش و تزئین

و فرورفتگی کنار استخوان بینی، چین‌های زیر گردن، فرم موج و موازی یال‌های به هم چسبیده، خطوط برجسته دوتایی و گاه سه‌تایی افسار و دهنه حیوان، ترتیب قرار گرفتن عقب و جلوی کاکل و گوش‌ها در اسب‌های مختلف متفاوت است. از جمله در کاکل اسب نواری به دور آن پیچیده شده که به دو شکل مختلف به هم گره خورده‌اند. خطوط عمودی که موها را در بخش بالایی یال مشخص می‌کنند در برخی اسب‌ها کوتاه و به هم چسبیده است و در برخی خطوط عمودی یال خیلی از هم جدا و فاصله‌دار و بلندتر است. چین‌های پیشانی و گردن اسب‌ها، میزان برجستگی ابروان و حتی درشتی چشم‌ها، اندازه اتصالات شاخی شکل روی افسار و ضخامت لگام اسب‌ها، اندازه و ابعاد و حتی شکل گره دم‌ها نیز با یکدیگر



دم و کاکل و ابزار و یراق اسب در آثار به جای مانده از دوره هخامنشی که نماد بلوغ فرهنگی و وجهه سیاسی و اجتماعی است بسیار حایز اهمیت است. در دوره هخامنشی اسب علاوه بر داشتن جایگاه فرهنگی خاص نشان دهنده صلابت حکومت و ارتش هخامنشی و تشریفات درباری بوده که جنبه سیاسی داشته است.

## نتیجه

اشیای مفرغین اولین اسناد بشر در جهت شناخت آناتومی و پیکر اسب است، که با انگیزه‌های آیینی و مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است. در اشیای مفرغین تمدن‌های دوره ماد، فرم اسب متناسب با کاربرد آن شکل گرفته است. اسب به لحاظ مفهومی حیوانی مقدس تلقی می‌شده که به صورت اسب بالدار هم دیده می‌شود و در مناسک دینی و مذهبی برای عبور از دنیای پس از مرگ از آن استفاده می‌شده است. اسب نشانه‌ای از خدای خورشید بوده و در مناسک دینی برای خدای خورشید، اسب قربانی می‌کرده‌اند. حضور اسب در دوره ماد تا متن د استان‌های حماسی و قهرمانی نیز پیش رفته است. اسب در ریتون‌های پیش از هخامنشی در هیئت اسب، به شکل ساده و انتزاعی به گونه‌ای زیبا مجسم شده است که حاوی مفاهیم آیینی و نمادین بوده است و شکل ساده و نقش‌های روی آن و حتی اندازه آن متناسب با کاربرد آن بوده است. اسب در ریتون‌های دوره هخامنشی متناسب با کاربرد و اندازه و شکل ظروف متفاوت می‌شود. جنبه زیبایی و هم جنبه کاربردی در ریتون‌ها و اشیای مفرغی دیده می‌شود. تصویر اسب در نقش برجسته‌ها به صورتی طبیعت‌گرایانه و در قالب موجودی باوقار و ایستا با ویژگی‌های تصویری یکسان، در انواع مختلف ساخته و پرداخته شده، و در تشریفات درباری ظاهر می‌شود. اسبان حجاری شده بر روی تخته‌سنگ‌ها، شکوه و هیبت ارتش هخامنشی را به نمایش می‌گذارند و همراهی انسان در کنار اسب و به آن جایگاه معنوی بخشیدن و استفاده از آن در جهت اعلان هویت فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در دوره هخامنشی، بسیار مورد توجه است. هماهنگی فرم و محتوا در همه دست‌ساخته‌های اصیل و هنری بشر محدود به زمان و مکان خاصی نیست.

## منابع و مآخذ

- اپهام پوپ، آرتور. ۱۳۸۰. شاهکارهای هنر ایران. اکتباس و نگارش: پرویز ناتل خانلری. تهران: علمی و فرهنگی.
- برزین، پروین. ۱۳۵۶. «مفاهیم نقوش بر روی سفال پیش از تاریخ»، هنر و مردم، ۱۸۴ و ۱۸۵.
- تالبوت رایس، تامارا. ۱۳۷۰. سکاها. ترجمه دکتر رقیه بهزادی. تهران: انتشارات یزدان.
- تجوید، اکبر. ۱۳۷۵. نگاهی به هنر نقاشی ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تناولی، پرویز. ۱۳۷۹. جل‌های عشایری و روستایی ایران. تهران: یساولی.
- دیاکونوف، ا.م. ۲۵۳۷. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- سعیدی، فرخ. ۱۳۸۰. راهنمای تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد، ج ۲. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه.
- سمسار، محمدحسن. ۱۳۴۳. «اهمیت اسب و تزئینات آن در ایران باستان»، هنر و مردم، ۲۱.
- طالب‌پور، فریده، و پرهام، ماندانا. ۱۳۸۸. «جایگاه اسب در هنر ایران باستان». جلوه هنر. ۱.
- کامبخش، سیفالله. ۱۳۸۰. سفال و سفالگری در ایران. تهران: ققنوس.
- گزنفون. ۱۳۸۳. کورش‌نامه. ترجمه رضا مشایخی. تهران: علمی و فرهنگی.



- گیرشمن، رمان. ۱۳۴۶. هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی. ترجمه عیسی بهنام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مرتضوی، سارا. ۱۳۸۷. «درخت نماد حیات ابدی در جهان»، روزنامه سرمایه. ش ۴۷۲.
- مهربان معینی، تکتم. ۱۳۸۶. تصویر اسب در هنر ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد ارتباط تصویری. دانشگاه تهران.
- نیبرگ، اچ. اس. ۱۳۸۳. دین های ایران باستان. ترجمه سیف الدین نجم آبادی. کرمان: انتشارت دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- هال، جیمز. ۱۳۸۰. فرهنگ نگاره ای شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- هینلز، جان. ۱۳۸۱. شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- Rudenko, S.I. 1970. *Frozen Tombs of Siberia*, Tr. M. W. London: Thompson.
- Shahbazi, S.Sh., Iranica Encyclopedia, Volume II
- Stierlin, H. 2006. *Splendors of the Ancient Persia*. China: White Star.
- [www.commonswikimedia.org](http://www.commonswikimedia.org)
- [www.e-tiquities.com](http://www.e-tiquities.com)
- [www.metmuseum.org/collections](http://www.metmuseum.org/collections)
- [www.raeeka.wordpress.com](http://www.raeeka.wordpress.com)



## Evolution of Horse Imagery from Median to Achaemenid Eras

Leila Sharifi, M.A. in Painting, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Adham Zargham, PH.D, Assistant Professor, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 2013/9/29 Accepted: 2014/2/15



The aim of this paper is studying the evolution of horse imagery and recognizing the position of horses, both structurally and conceptually, from Median to Achaemenid eras. The question is that what position the various images of horses had in terms of concept, aesthetic structure and function in Median and Achaemenid eras. In this study, horse images from Median artifacts to Achaemenid reliefs are studied in terms of aesthetic harmony of horse depictions, functional proportionateness of tools, the crucial role of horse in containers and rhythons, and the cultural, political and social place of horse. The results indicate that the Median holy and ritual horse, depicted with simple and abstract forms associated with ritual and symbolic meanings that would be buried besides its owner to cross to the other world after death and to guard the deceased against the evil forces, in Achaemenid era appears naturalistically and refined besides the man in royal formalities with social intentions.

**Key words:** Median, Achaemenid, Ritual Concepts, Myth, Symbol, Horse Imagery.